

خردودانش و کوشش در شاهنامه فردوسی

فردوسی علاوه بر اینکه الهام بخش وحدت ملی و پرورش دهنده اندیشه‌های میهنی و آرمانهای مردمی و انسانی است، اشعاری دلپذیر و عالی فلسفی و اجتماعی و اخلاقی هم دارد، که در خلال داستانها و سرگذشت‌ها آورده است. همچنین از خرد و دانش و کوشش در هر مورد سخن گفته، و دیوانش را با جان و خرد آغاز نموده است:

بنام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

این همان خرد و جنبشی است که داریوش بزرگ هم در آغاز سنگ نبشته‌اش در نقش رستم بر فراز آرامگاهش نوشته و خدائی راستایش میگوید که به او «خرد و جنبش» «خرثووار و وستا» عطا فرموده است، و بسویله این موهبت الهی شاهنشاهی بزرگ گردید.

خرد در زبان پارسی باستان خرثو و در پارسی میانه (پهلوی) خرت و در
پارسی امروزی خرد و در سانسکریت کرتو آمده و همان عطیه خداوند است که فردوسی
به کرات از آن یاد کرده و آنرا افسر شهریاران و نیکوترین زیور تاجداران دانسته و در
هر مورد از پادشاهانی که خردمند و خردپیشه بوده و این موهبت خداوندی در راه نیک و
آسایش کشور و مردم بکار برده‌اند، یاد کرده است :

کنون ای خردمند ارج خرد

بدین جایگه گفتن اندر خورد

بگو تا چه داری به یاد از خرد

که گوش نبوشنده زوبرخورد

خرد برتر از هرچه ایزدت داد

ستایش خرد را به از راه داد

خرد افسر شهریاران بود

خرد زیور نامداران بود

خرد زنده جاودانی شناس

خرد مایه زندگانی شناس

خرد رهنمای و خرد دلگشای

خرد دست گیرد به هر دو سرای

از او شادمانی و زو مردمی است

از اویت فزونی و زویت کمی است

کسی کو خرد را ندارد ز پیش

دلش گردد از کرده خویش ریش

از اوئی به هردو سرای ارجمند

گسسته خرد پای دارد به بند

خرد چشم جان است چون بنگری

تویی چشم شادان جهان نسپری

* * *

نخست آفرینش خرد را شناس

نگهبان جان است و آن سه پاس

سه پاس تو چشم است و گوش و زبان

کزین سه رسد نیک و بد بی گمان

خرد را و جان را که یارد ستود

و گر من ستایم که یارد شنود

همیشه خرد را تو دستور دار

بدو جانت از ناسزا دور دار

مؤلف قابوس نامه امیر عنصر المعالی کیکاوس بن قابوس و شمگیر در اندرز به

فرزند خود ضمن باب چهل و دوم «آئین پادشاهی» مینویسد:

«ای پسر اگر روزی پادشاه باشی، پارسا باش، و در هر کاری رای خود را فرمانبردار

خرد کن و هر کاری که خواهی کردن اول با خرد مشورت کن که وزیرالوزراء پادشاه

خرد است.»

در جای دیگر ضمن اندرزهای اردشیر به شاهپور مینویسد: «تن و خردت را

نگاهدار، اگر خواهی که به خوشوقتی بگذرانی.»

شاید فردوسی نخستین سخنسرای باشد که درباره فضیلت خرد، داد سخن را

داده، و پس از او دیگر سخن سرا بیان نامی مادر وصف این عطیه خداوندی سخن گفته اند:

ناصر خسر و گوید :

راست است ره دین که پسند خرد است

که خرد اهل زمین را ز خداوند عطا است

خرد است آنکه چو مردم سبب او برود

گر گهر روید زیر پیش از خاک رواست

بی خرد گرچه رها باشد در بند بود

با خرد گرچه بود بسته چنان دان که رهاست

* * *

مرد خرد را به علم یاری ده

که خرد علم را خریدار است

* * *

اگر خرد نبود خوب و بد نداند کس

به ذات خویش که او را کدام باید کرد

نظامی فرماید :

بزرگ آفریننده هر چه هست

ز هر چه آفریده است بالا و پست

نخستین خرد را پدیدار کرد

ز نور خودش دیده بیدار کرد

هر آن نقش کز کلک قدرت نگاشت

ز چشم خرد ، هیچ پنهان نداشت

مگر نقش اول کز آغاز بست
کز آن پرده چشم خرد باز بست
چو شد بسته نقش نخستین طراز
عصا به ز چشم خرد کرد باز
همان گنج پوشیده گامد پدید
بدست خرد باز دادش کلید

حکیم سنائی فرماید:

عقل چشم و پیمبری نور است
آن از این این از آن نه بس دور است
راکبی کز خرد عنان دارد
اسب انجام زیر ران دارد
آن کسی کو به ملک عقل رسید
دو جهان را چنانکه هست بدید
سخن عقل چون تمام آید
در جهان علم را نظام آید
دانش در شاهنامه پایگاه بلندی دارد و با خرد تو آمان است. دانش سبب نیرومندی
روان و آرامش جان و کامیابی در زندگی میباشد:
چنان دان که هر کس که دارد خرد
به دانش روان را همی پرورد
خرد همچو آب است و دانش زمین
بدان کین جدا و آن جدا نیست زین

به‌دانش روان را توانگر کنید

خرد را همان برسر افسر کنید

.....

.....

بیاموز و بشنو زهر دانشی

بیابای زهر دانشی رامشی

میاسای از آموختن يك زمان

ز دانش میفکن دل اندرگمان

در دانش از گنج نامی ترست

همان نزد دانا گرامی ترست

زخورد و زبخشش میاسای هیچ

همه دانش و داد دادن بسیج

دگر با خردمند مردم نشین

که نادان نباشد برآئین و دین

که دانا ترا دشمن گاه جان نابود طاعات فرنگی

به از دوست مردی که نادان بود

* * *

یکی از خواسته‌های نیاگان دور ما از ایزد توانا این بوده است که فرزندانشان

دانا و باتربیت و فرزانه بار آیند و بر آن بوده‌اند که روشنی درون و بینائی دل از پرتو

دانش پیدا میشود، و برای همین خاطر فرزندان خود را از کوچکی به دبستان می‌فرستادند،

تا علم بیاموزند، و تربیت شوند و از آنها بی‌تا ایزد دانش می‌خواسته‌اند که در فراگرفتن

هنرو اندوختن دانش به آنها کمک نماید. همانطور که فردوسی در این باره گفته است:

به آموختن گر ببندی میان

زدانش روی بر سپهر روان

زمانی میسای از آموختن

اگر جان همی خواهی افروختن

چنان دان هر آنکس که دارد خرد

بدانش روان را همی پرورد

اگر تخت جوئی هنر بایدت

چو سبزی دهد شاخ بر بایدت

توانا بود هر که دانا بود

به دانش دل پیر برنا بود

* * *

چو دانش تنت را نگهبان بود

همه زندگانیت آسان بود

هر آن چیز کان بهره تن بود

ز دانش پس از مرگ دشمن بود

دستورها و فرمانهای دینی ایرانیان باستان هم بر پایه احترام دانش و تجلیل دانشمندان قرار گرفته است. یکی از مدارک زنده و غیر قابل تردیدی که از ارج و پایه دانش در گذشته‌های دور سخن میگوید، نوشته‌های اوستا میباشد که فصلی از آن به دانش «چیستا» اختصاص داده شده. اوستا خود یکی از مآخذ شاهنامه بوده است.

یشت شانزدهم اوستا در ستایش دانش است. ایزد دانش پایگاهی بس ارجمند

داشته و در بند دوم، زرتشت خطاب به دانش «چیستا» میگوید: «ای دانش، راست‌ترین آفریده مقدس، اگر در پیش باشی منتظر من بمان و اگر در دنبال باشی بمن برس.» و باز میگوید: «راست‌ترین دانش مزدا و آفریده مقدس را می‌ستائیم، که راه نیک نماید و بگذرنیک‌کشاند و به مقصد نیک رساند و گشایش نیک بخشد.»

در فقره ۴۵ و ۴۶ و نندیداد هم درباره آموختن دانش مخصوصاً دانش همراه با پرهیزگاری چنین آمده: «پاس نخست و آخر روز و پاس نخست و آخر شب باید برای فراگرفتن خرد و دانش با پرهیزگاری بکار رود. باید پرهیزگاری و فروتنی در فراگرفتن دانش منظور باشد. خواهان دانش روز و شب چنان کند تا بخواند (یعنی بیاموزد) آنچه را که هیربدهای پیش خواندند.»

بنابراین فردوسی که در راه زنده کردن غرور ملی و مفاخر جاودانی ایران همت گماشت و چنین اثر بسیار ارزنده و جاودانی از خود بجا گذاشت، در این باره نیز یکی از سنت‌های دیرین و نیک این سرزمین را ستوده و همه مردم ایران زمین را به کسب دانش و فرمانبری از خرد و اندیشه نیک اندرز میدهد.

فردوسی خوب دریافته بود که مرگ و نابودی ملت‌ها بسته به ترک آداب و سنن و آئین و شعائر ملی است و تا دانش و کوشش و جنبش و آداب و رسوم مردمی، برجا باشد، هیچگاه از بین نخواهند رفت. از همین رو در هر مورد که داستان و رویدادی تاریخی را بیان کرده از آن نتیجه اخلاقی و اجتماعی و آموزشی و فلسفی گرفته است.